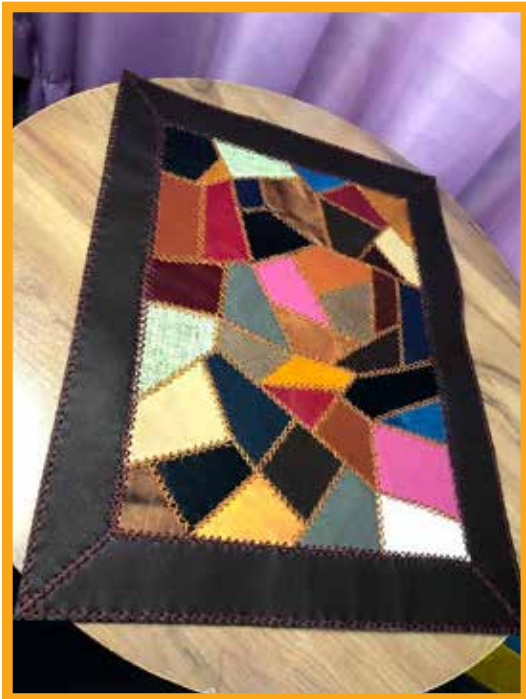




هنر جوی هنرمند

سونیا مهرعلی، هنرجوی پایه دهم رشته سراجی است. شاید برای بعضی از مخاطبان ما رشته سراجی چندان آشنا نباشد و دوست داشته باشند که درباره این رشته اطلاعاتی کسب کنند. در این گفت‌وگو رشته سراجی، کاربردها و محصولات مربوط به این رشته را از زبان سونیا می‌خوانیم.



برایمان بگویید چه شد به تحصیل در این رشته تصمیم گرفتید؟

واقعیت این است که سراجی رشته انتخابی من نبود. شاید بتوان گفت رشته‌ای تحصیلی برایم حساب می‌شد. اما امروز از اینکه مسیرم از این رشته می‌گذرد، بسیار خوش‌حالم. اینکه می‌گویم تحصیلی، ماجرای خودش را دارد، چرا که من از پایه نهم رشته موردعلاقه‌ام را که بسیار در مورد تحصیل در آن خیال‌پردازی کرده بودم و دوستش داشتم، انتخاب کرده بودم. تصمیم گرفته بودم برای ادامه تحصیل به هنرستان بروم، اما ظرفیت آن رشته پرشده بود. معاونان هنرستان کار دانش قدس به من گفتند، فقط می‌توانم در رشته سراجی ثبت‌نام کنم. این است که لقب تحصیلی روی آن می‌گذارم، چراکه من حتی معنی سراجی را نمی‌دانستم و آشنایی چندانی با این رشته نداشتم.

برایم سخت بود به رشته‌ای که علاقه ندارم وارد بشوم. به همین خاطر گریه‌ام گرفته بود. با گریه در اینترنت جست‌وجو می‌کردم که: «رشته سراجی چیست؟» تا کمی آشنایی با این رشته پیدا کنم. با آن شرایط که چشمانم از گریه تار می‌دید و خودم بسیار ناراحت بودم، اصلاً نتوانستم مطالب را به خوبی بخوانم. فکر می‌کردم تنوع رشته سراجی محدود است. به نظرم این رشته مطلوب نبود و چون ساعت کاری در مدرسه دقیقاً آخرش را سپری می‌کرد، من آن روز ثبت‌نام نکردم و به خانه برگشتم. ترجیح پدر و مادرم تحصیل در رشته‌های نظری بود، اما باز هم حق انتخاب را به خودم واگذار کرده بودند.

چطور متوجه شدید به هنر و هنرستان و رشته‌های هنری علاقه‌مندید؟

من همیشه به هنر علاقه زیادی داشتم. هر موقع معلم‌های سال قبل چیزی مثل نقطه‌کوبی روی سفال، کار میخ و نخ، نقاشی فرش و از این دست کارها که به ذوق و قریحه هنری نیاز داشتند تدریس می‌کردند، من تمامشان را با عشق انجام می‌دادم.

هیچ‌کاری را بی‌رغبت انجام نمی‌دادم. کلاس‌هایی که با این موضوعات و کارهای هنری سپری می‌شدند، برایم شیرین‌ترین زمان‌هایی بودند که قبل از ورود به هنرستان در مدرسه سپری می‌شد. از این رو دلم می‌خواست می‌شد تمام زمان‌های مدرسه به انجام این دست کارها سر شود. هنرستان در واقع برآورده شدن این ای کاش‌های من بود. برای انتخاب رشته، درست بود که تحصیل در رشته‌ای که ابتدا انتخاب کرده بودم، مقدور نبود، اما رشته‌ای شیرین‌تر، یعنی سراجی، مرا انتخاب کرده بود تا آن را یاد بگیرم. به خاطر همین، یک روز وقت گذاشتم و در مورد رشته سراجی تحقیق کردم. مصاحبه خانمی در مورد این رشته را خواندم که همه چیز را توضیح داده بود. این مصاحبه آن قدر کامل و البته صمیمانه و دوست‌داشتنی بود که رغبت پیدا کردم سراجی بخوانم. انگار فهمیدم می‌توانم از پس این رشته برآیم. فردای آن روز برای ثبت‌نام به هنرستان رفتم و ثبت‌نام با موفقیت انجام شد.



که نمی‌توان از حمایت‌های پدر و مادرم در آغاز مسیر غافل شد. در پیام‌رسان‌های بله و روبیکا هم کانال درست کردم تا کسانی که نمی‌توانند از نزدیک کارهایم را ببینند، به صورت مجازی از آن‌ها بازدید کنند. خدا را شکر استقبال خوبی هم شد. بسیاری از کارها را همین‌طور به شکل مجازی توانستم به فروش برسانم.

📌 برای آینده خود در این رشته چه برنامه‌هایی دارید؟

واقعیتش آن‌قدر به این رشته علاقه‌مند شده‌ام که آینده‌اش را نیز مثل آموزش که در حال تحصیل هستم پربار و خوب می‌بینم. در این فکرم که تابستان هم بتوانم کارهای متنوعی درست کنم و به فروش برسانم. از این راه هم به خودم خوش می‌گذرد و هم مهارتم را در این کار بالاتر می‌برم. البته از هنر و استعدادم هم می‌توانم درآمد کسب کنم. دوست دارم از یک کارگاه کوچک شروع کنم و یک کارآفرین خوب بشوم. اما بزرگ‌ترین آرزوی من این است که یک شرکت تولیدات چرم تأسیس کنم. امیدوارم روزی به این موفقیت بزرگ برسم.

📌 برای سونیا مهرعلی، هنرجوی منظم و بااخلاق کارگاه سراجی، آرزوی موفقیت می‌کنیم.

📌 حالا که هنرجوی این رشته هستید، نظرتان درباره ناساجی چیست؟

بعد از ورود به رشته سراجی، به آن علاقه‌مند شدم و فهمیدم چه تنوع کار و اهمیت کاری بسیار بالایی دارد و چقدر کارهایی که درست می‌کنیم، با ارزش هستند. آن‌قدر به این رشته علاقه‌مند شده‌ام که دوست دارم کل ساعات روز را صرف کار با چرم کنم. وقتی وارد کارگاه می‌شوم، حتی دیگر دلم نمی‌خواهد از آنجا خارج بشوم. معمولاً تا عصر می‌مانم و کار می‌کنم.

📌 آیا می‌توان حین تحصیل هم از این رشته درآمد داشت؟

بله. البته که می‌توان. اصلاً شاید مزیت تحصیل در رشته‌های هنرستان همین باشد که کاربردی بودن آن‌ها از همان آغاز راه مشخص است. مثلاً من خیلی از محصولاتم را از جمله: زیرانداز، کیف پول، جای کلیدی، جای هندزفری، کیف دوشی زنانه، کیف جیبی مردانه، کیف لوازم آرایش و بسیاری کارهای دیگر، توانستم بفروشم و خرج تحصیل خود را خودم تأمین کنم. البته